

نمادهای دامداری سنتی استان سمنان

علیرضا شاه‌حسینی^۱

چکیده

دامداری سنتی، مبنای معیشت ایلات و عشایری است که هنوز به شیوه کوچ‌رویی روزگار می‌گذرانند. آنان هنوز سنت‌های آبا و اجدادی خود را حفظ کرده‌اند و آنها را به کار می‌گیرند. عشایر کوچ‌رو در نقاط مختلف استقرار (بیلاق، قشلاق و مسیر کوچ) دارای آداب و سنت‌های ویژه‌ای هستند که در یک تقویم زمانی خاص آنها را اجرا می‌کنند. در این مقاله، ویژگی‌های شمارش دام، مخابرات و تولیدات دامپروری سنتی بررسی شده است. این آیین‌ها در میان عشایر سنگسری شامل نمادهایی است که از زمان شمارش دام تا تهیه و تولید محصولات لبنی مانند شیر، پنیر، ماست، کشک و سایر محصولات در همه بخش‌ها مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دامداری سنتی، شمارش گوسفندان، مخابرات، محصولات

عشایر، تلم‌زنی

۱. کارشناسی ارشد جغرافیای روستایی، پژوهشگر فرهنگ بومی استان سمنان، تهیه‌کننده صدای مرکز سمنان
il_1347@yahoo.com

مقدمه

زندگی کوچ‌نشینی در ایران، سابقه‌ای کهن دارد؛ در زندگی کوچ‌نشینی، افراد از طریق پرورش حیوانات و در پی چراگاه‌های طبیعی سالیانه از محلی به محلّ دیگر کوچ می‌کنند. کوچ‌نشینان، پاسدار فرهنگ و سنن کهن و آداب و سنت‌های ایلی هستند و بررسی راه و روش زندگی کنونی آنان ما را به شناخت فرهنگ و زندگی نیاکانمان رهنمون می‌سازد. علاوه بر آن، زندگی آنان از نظر اقتصادی نیز درخور اهمیت است زیرا آنها سالانه مقدار قابل توجهی گوشت، لبنیات و سایر فراورده‌های دامی را به بازارهای داخلی عرضه می‌کنند. در این مقاله، نمادهای دامداری عشایر در سه بخش شمارش دام‌ها، یاریگری و مشارکت در دامپروری و محصولات دامی بررسی شده است.

۱. شمارش دام

مهم‌ترین کار در آغاز استقرار خانواده در خیل (خیل به خیل شدن)^۱ شمارش دام است. در روز شمارش و در جمع حسابگران، به صاحب بیشترین گوسفند هر خیل لقب «کلون سالار» (kalun sâlâr) تعلق می‌گیرد که به معنای سرپرست و سردار خیل است و از این زمان به بعد تا پایان دوره توافق شده، رتق و فتق امور خیل با اوست.

آیین گله‌داری سنگسری‌ها حکم می‌کند که شمارش دام‌ها در این روز، به عنوان مأخذ حکم قطعی درباره هزینه و تعهدات تلقی شود و به هیچ دلیل و تحت هیچ شرایطی تغییر نیابد. اگر به فرض فردای روز «شمار» تعدادی از گوسفندان گم شده کسی پیدا شوند یا شماری از آنها تلف گردند، تعهدات قطعی هر خیل‌نشین، همان خواهد بود که در روز شمارش تعیین شده است و

۱. هنگامی که همه یا بیشتر سیاه‌چادرهای عشایر هر خیل که به زبان سنگسری «گوت» خوانده می‌شوند، برافراشته شده باشند.

نمادهای دامداری سنتی استان سمنان ❖ ۱۱۳

این آیین که از زمان‌های گذشته در میان سنگسری‌ها بر جای مانده، تغییرناپذیر است و سرپیچی از آن برای هیچ‌کس متصور نیست.

در روز شمارش، صاحبان گله‌های بزرگ، تأمین هزینه‌های تمام یا تعدادی از گوسفندان چوپان‌های مورد توجه خود را بر مبنای توافق شخصی با این چوپان‌ها، بر عهده می‌گیرند تا آنها با خیال راحت و بدون دغدغه خاطر و بااطمینان، به کار پرورش گوسفند مشغول شوند.

برای انجام شمارش، گوسفندان را به درون حصار یا «بره» (bore) می‌رانند. در مدخل حصار، دو سرچوپان «مس کرد»^۱ (mas kord) و در کنار آنها در دو سمت و در دو ردیف، مردان خیل که ارجح است صاحب گله باشند، می‌ایستند. هر یک مسئول شمارش گوسفندان یکی دیگر از دامداران است و رسم نیست که دامدار، عهده‌دار شمارش گله خویش باشد و باید در هر شرایطی، شخص دیگری به این کار بپردازد.

هر یک از مردان در کنار خود چند ریگ به اندازه یک نخود جمع می‌کند و کاسه‌ای مسی یا کلاهی پشمی آماده می‌سازد. سپس گروه مردان و کودکان که به طور مستقیم در کار شمارش دخالت ندارند، گوسفندان را به داخل حصار یا «بره» هدایت می‌کنند. در حین اینکه دام‌ها از بره خارج می‌شوند، سرچوپانان که در آنجا ایستاده‌اند، به صورت انفرادی و گاهی همزمان، نام صاحب دامی را که از مدخل می‌گذرد، با نگاه کردن به «داغ» یا «دُرشوم» با صدای بلند یاد می‌کنند. بدین گونه: علمداری یعنی از آن آقای علمدار است و کسی که مسئول شمارش گوسفندان آقای علمدار است، یک ریگ به داخل ظرفی که پیش روی اوست، می‌اندازد و با صدای بلند می‌گوید: «وگرت»، یعنی برداشتم. به همین روش کار ادامه می‌یابد، تا به آخرین دام برسند که به نام «برکتی» موسوم است و به هر کس تعلق داشته باشد، در طول اقامت در خیل، هزینه‌ای

۱. سرچوپان: شخصی که مسئولیت گله را به عهده دارد.

۱۱۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

برای «برکتی»، به او تعلق نخواهد گرفت. سپس شمارگران، با ظرف سنگریزه‌ها، همراه با مردان و چوپانان خیل، همگی به چادر کسی می‌روند که گوسفند برکتی از آن او بوده است.

چنانچه به هر دلیلی ریگ‌های داخل کلاه قبل از پایان شمارش به زمین بریزد، شمارش دوباره انجام می‌شود. در پایان شمارش، ریگ‌های شمارش را روی رمه یا داخل چشمه آب می‌ریزند. پس از شمار (شمارش) دام، جیب چوپانان را پر از شیرینی می‌کنند تا گله را به چرا ببرند.

۱-۱. شمارش گوسفندان

شمارش در آیین گله‌داری عشایر سنگسری به معنی شمارش گوسفندان است. آنها در طول سال در چندین نوبت به شمارش دقیق دام می‌پردازند. هنگام استقرار در منطقه بیلاقی، گلوگاه‌ها و منازل مهم مسیر کوچ، استخدام چوپان جدید و مرخصی موقت چوپان تلک دار (مس گرد)، عشایر سنگسری در ابتدای ورود به خیل^۱ به منظور محاسبه هزینه‌های اجاره مرتع، نمک و سایر هزینه‌های خیل، همچنین مطابقت تعداد دام با پروانه چرای صادره، دام‌ها را به دقت شمارش می‌کنند. همچنین، در چند نقطه مهم در کوچ مانند میان‌جاده، رضاآباد، چاه جام، چاه سیدا که امکاناتی نظیر دامبره^۲ (dâmbare) و حصار وجود دارد، برای اطلاع از تعداد دام خود، بار دیگر دام‌ها را می‌شمارند تا از تعداد دام‌های گم‌شده و تلف‌شده در حین کوچ اطلاع یابند.

از دیگر مواقع شمارش دام، می‌توان به زمان استخدام چوپان جدید اشاره کرد. چنانچه دامدار چوپان جدیدی را استخدام کند، چوپان قدیمی موظف

۱. محل استقرار بیلاقی عشایر سنگسری که چند خانوار عشایری در آنجا زندگی می‌کنند.

۲. عشایر برای شیردوشی، دام‌ها را بین دو دیواره کوتاه قیفی شکل که از سنگ، گل و بوته‌های مرتعی ساخته شده است، عبور می‌دهند که این معبر را دامبره می‌نامند.

نمادهای دامداری سنتی استان سمنان ❖ ۱۱۵

است در حضور صاحب دام، گله را شاخ‌شمار^۱ کند و به چوپان جدید تحویل دهد. همچنین، هنگامی که چوپان به مرخصی موقت می‌رود، گله را می‌شمارد و تحویل بدل^۲ می‌دهد.

۲-۱. واحدهای شمارش

دامداران سنگسری برای شمارش و گروه‌بندی دام‌های خود، واحدهای ویژه‌ای دارند. هر گله را در اصطلاح لته (latte) می‌نامند که شامل ۴۰۰ رأس گوسفند و بز است. سایر واحدهای شمارش سنگسری‌ها در جدول آمده است.

واحدشمارش	آوانگاری	تعداد دام (گوسفند و بز)
لته	latte	۴۰۰ رأس
لتیو	latio	۲۰۰ رأس
خرج	xarj	۴۰ رأس
نیم‌خرج	nim xarj	۲۰ رأس
یکه په	yekke pe	۱۰ رأس
نیم په	nim pe	۵ رأس

برای واحدهای کمتر از ۱۰ رأس، از اعداد همراه با کلمات بالا و پایین استفاده می‌شود.

مثال: دو خرج سه بالا = ۸۳ رأس (۳+۸۰=۸۳ و ۲×۴۰=۸۰)
چار خرج سه پایین = ۱۵۷ رأس (۳-۱۶۰=۱۵۷ و ۴×۴۰=۱۶۰)

۱. شمارش دقیق تمامی گوسفندها و بزهای یک گله.

۲. هنگامی که چوپان تلک‌دار به مرخصی می‌رود، فرد دیگری به طور موقت جایگزین چوپان می‌شود و در غیاب چوپان وظایف او را انجام می‌دهد که این شخص «بدل» نامیده می‌شود.

۲. مختاباد نماد مشارکت و یاریگری

دامداری سنتی بر پایه مشارکت و یآوری جمعی استوار است. مشارکت و یآوری در دامداری سنتی دارای طیف‌های متفاوتی است و می‌تواند به اشکال زیر باشد:



- هر کس گله خود را جداگانه به چرا ببرد، اما در امور مربوط به مرتع و بهره‌برداری از مرتع، مشاعی و مشارکتی عمل کند.
- گوسفندان چند نفر در یک گله جمع شوند. در حقیقت اداره گله و گرفتن چوپان به صورت مشارکتی انجام شود. در این صورت بهره‌برداری از مراتع هم به صورت مشارکتی است.
- اداره گله و گرفتن چوپان به صورت مشارکتی و یآوری باشد؛ یعنی یک نفر چوپان مزدبگیر گرفته شود و دامداران هر یک به شکل نوبتی یا گماری به کمک چوپان اصلی بروند.
- در اکثر موارد حتی در مواردی که گرفتن چوپان و بهره‌برداری از مراتع، امری مشارکتی است، شیردوشی و تولید لبنیات امری خانوادگی محسوب

نمادهای دامداری سنتی استان سمنان ❖ ۱۱۷

می‌شود و هر خانواده فرآوری شیر خود را به عهده دارد. اما اوج مشارکت زمانی است که دامداران، دام‌های خود را در گله مشترکی گرد آورند، در مرتع مشترکی به چرا ببرند، چوپان مشترک بگیرند و به طور اشتراکی مخارج را بپردازند و همه درآمد را به نسبت سهم هر کس تقسیم کنند. مختاباد، همین آخرین نوع است که اوج مشارکت در دامداری است. منطقه جغرافیایی این نوع مشارکت، از حدود بیارجمند شروع می‌شود و روستاهای سرحدات میامی و روستاهای بخش بسطام و شهر دیباج (چهارده کلاته سابق)، تویه رودبار، آستانه، آهوانو و روستاهای تویه دروآر شهرستان دامغان را دربرمی‌گیرد. از ویژگی‌های این نیمه‌کوچ‌نشینان آن است که زن‌ها در تمام سال در روستا می‌مانند و نقشی در امور دامداری در خارج از روستا ندارند. شیردوشی و فرآوری شیر به انواع تولیدات شیری به عهده مردان است.

مهم‌ترین مشخصه روش دامداری مختابادی، حضور نداشتن خانواده دامدار با وی در دوره بیلاقی و مهارت مردان در شیردوشی و تولید فرآورده‌های لبنی است. از عوامل فرهنگی مؤثر بر پیدایش این سبک از دامداری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تعصب شدید مردان در دوره‌ای خاص از تاریخ که مایل نبوده‌اند همسران و دخترانشان در جمع مردان غریبه حضور یابند و در انجام امور، همکاری داشته باشند. وجود اراضی زیرکشت و محصولات صیفی که در محل سکونت دایمی بوده است، مردان را وامی‌داشت تا کارهای اولیه کشت و نگهداری را انجام دهند و در مرحله برداشت محصول، خانواده این کار را انجام می‌داد و مردان در پی احشام به بیلاق می‌رفتند. تنگناهای اقتصادی نیز شاید یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیدایش این شیوه از زندگی باشد.

۲-۱. گله مشترک

مهم‌ترین وجه مشخصه این نوع دامداری آن است که دامداران دام‌های خود را در گله‌ای مشترک گرد می‌آورند و همراه یک چوپان در مراتع مشترک به چرا می‌برند. شیر این دام‌ها صرف نظر از اینکه به چه کسی تعلق دارد، به طور مشترک دوشیده می‌شود و لبنیات نیز به طور مشترک تهیه می‌گردد. همه اعضای بنه با هم زندگی می‌کنند و دارای هزینه مشترک هستند که سرمختاباد می‌پردازد و حساب آن را نیز به دقت دارند. در پایان دوره ییلاقی نیز سرمختاباد، ابتدا همه هزینه‌های انجام شده را محاسبه می‌کند و برای هر یک از مختابادها حقوق تعیین می‌شود. محصولات لبنی تولیدی، از سوی سرمختاباد به فروش می‌رسد. این درآمد پس از کسر همه هزینه‌ها و پرداخت حقوق‌ها یا بر اساس تعداد دام هر دامدار یا سهم شیر او که در روز وادوش مشخص شده است، به دقت تقسیم می‌شود.

بر دامداری مختابادی، به دلیل حضور نداشتن زنان در جریان تولید، ایراداتی وارد است که مهم‌ترین آنها، ضعف بهداشتی است. تولیدات دامی این گروه از نظر رعایت بهداشت در جریان تولید، در رتبه پایین‌تری قرار دارد.

۲-۲. شیردوشی مشترک

در بیشتر مناطق عشایری، شیردوشی کاری زنانه است. در بین عشایر سنگسر و گرمسار، مردان در امر شیردوشی به کمک زنان می‌شتابند. اغلب مهار و راندن دام به طرف دامبره به عهده آنهاست و زنان با ظرافت، دام‌ها را می‌دوشند.

در شمال دامغان، شیردوشی از اواسط خرداد، آغاز می‌شود و تا اواخر مرداد ادامه می‌یابد. شیردوشی از سوی مختابادها و به روش دست به دست انجام می‌گیرد. هر دام از سوی سه مرد به ترتیب زیر دوشیده می‌شود:

نمادهای دامداری سنتی استان سمنان ❖ ۱۱۹

نفر اول: سرمختاباد، دام را سردوش می‌کند.

نفر دوم: مختاباد، دام را نصفه‌دوش می‌کند.

نفر سوم: مختاباد پاک‌دوش نامیده می‌شود.

مهم‌ترین حسن شیردوشی مختابادی در این است که تمام دام‌ها صرف نظر از اینکه به چه کسی تعلق دارد، دوشیده می‌شود و این کار باعث سرعت شیردوشی می‌گردد. در حقیقت اوج مشارکت مختابادها هم در همین است. شیر تمامی دام‌ها، اشتراکی دوشیده می‌شود و به فرآورده‌های لبنی تبدیل می‌گردد.

۲-۳. تعیین سهم

مهم‌ترین بخش کار مختابادها، تنظیم ترتیب تقسیم شیر دام‌هاست. آنها دام‌های خود را یک یا دوبار در کل دوره شیردوشی، به طور مجزا می‌دوشند و به دقت اندازه‌گیری می‌کنند. در این روز، همه اعضای خانوار دامدار در بنه حاضر می‌شوند و دامی ذبح می‌کنند و از مختابادها، پذیرایی مفصلی به عمل می‌آورند.

به کمک خانواده دامدار اصلی، همه دام‌ها پاک‌دوش می‌شوند. مقدار شیر دوشیده شده در این روز در کل دوره شیردوشی ضرب می‌شود و به این ترتیب عایدی دامدار مشخص می‌گردد.

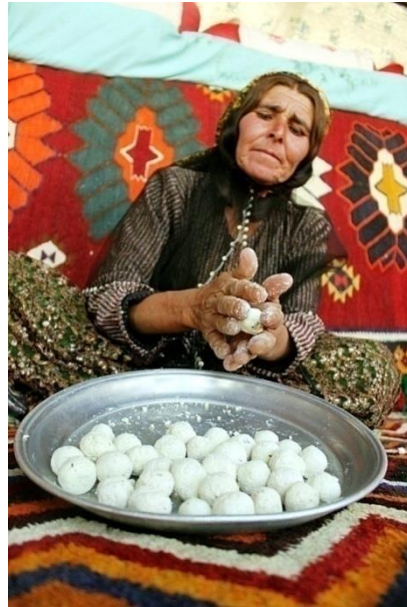
این روز را دامداران چهارده و باده کوه، «وادوش» می‌نامند و در نخستین روز شروع شیردوشی، وادوش را انجام می‌دهند.

چنانچه دامی چند روز قبل از وادوش زایمان کند و تازه به جمع دام‌های دوشا اضافه شود، نصف شیر آن به حساب گرفته می‌شود. در باده کوه، مبنای محاسبه عواید، تعداد دام شمارش شده در روز اول تشکیل گله است. چنانچه

در طول دوره، دامی تلف شود، صاحب دام در آخر دوره از عواید آن برخوردار می‌شود.

۳. تولیدات دامپروری سنتی

تعریف دام‌های عشایر از مراتع سرسبز با علوفه‌های متنوع و طبیعی، باعث شده است تا عشایر، فرآورده‌های سالم، مقوی و مطبوع تولید کنند. این نوع فرآورده‌ها، متقاضیان فراوانی در بین شهرنشینان و روستائینان دارد. عشایر استان سمنان، بویژه سنگسری‌ها، فرآورده‌های لبنی متنوعی را تولید می‌کنند. در جریان تبدیل شیر به فرآورده‌های لبنی تمامی مواد به نحو مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرآورده‌های لبنی عشایر استان بسیار است که می‌توان آنها را به سه بخش تقسیم کرد:



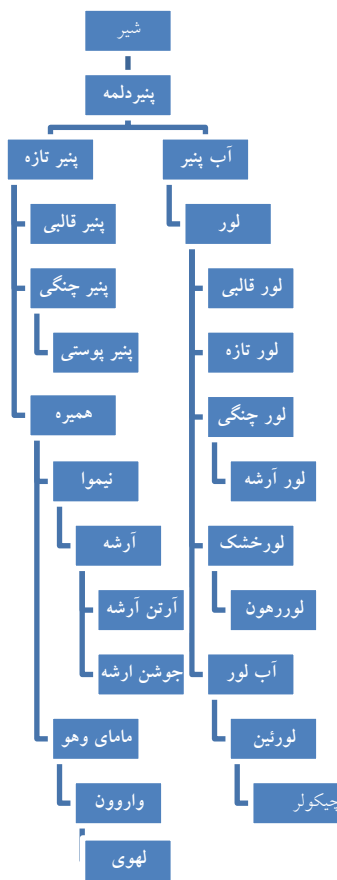
الف) مواد غذایی: محصولات لبنی مانند شیر، ماست (ماست تازه، ماست چکیده)، پنیر، سرشیر، وارزون (نوعی روغن زرد پنیر)، انواع لور، رهون (روغن)، کره، شیر، قیماق، عسل قیماق و...

در شکل ۱ ترتیب تهیه این محصولات نشان داده شده است. ب) سوغاتی: برخی از محصولات لبنی که به شکل خشکبار هستند و سوغاتی محسوب می‌شوند. مانند کشک، قره قوروت یا تفره، چیکو (نوعی شکلات عشایری)، آرشه و...

نمادهای دامداری سنتی استان سمنان ❖ ۱۲۱

ج) نقش دارویی: برخی از فرآورده‌ها نقش دارویی دارند مانند مامای وهو^۱ یا سایر اقلام.

در هر حال ارائه مناسب فرآورده‌های لبنی به لحاظ رعایت مسائل بهداشتی و بسته‌بندی مناسب می‌تواند علاوه بر تأمین مواد غذایی مورد نیاز، به افزایش درآمد آنها از طریق فروش بخش مازاد این مواد نیز بینجامد.



شکل ۱. زنجیره تبدیل شیر به فرآورده‌های شیری

۱. این ماده در حین پخت آرشه به دست می‌آید و به عنوان ضماد برای شکستگی، ترمیم زخم و رفع کوفتگی استفاده می‌شود.

۱۲۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در زیر به نحوه تهیه دو محصول عشایری به طور نمونه اشاره می‌شود:

۳-۱. کره‌گیری سنتی

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های عشایر در دوره ییلاقی، تهیه فرآورده‌های لبنی است و در فرآیند تهیه لبنیات، کره‌گیری یا تلم‌زنی (tolom zani) یکی از مهم‌ترین آنهاست. تلم‌زنی نوعی کار گروهی است که با همکاری انجام می‌پذیرد. عشایر استان با توجه به ظرفیت و طرز استفاده، سه نوع تلم را برای تولید کره به کار می‌گیرند:

۱. تلم پر که از پوست گاو تهیه می‌شود و به صورت عمودی نصب و قابل استفاده است.

۲. تلم چوبی که از تنه درختان جنگلی تهیه می‌شود و بیشتر دامداران شمال شاهرود و دامغان از آن استفاده می‌کنند.

۳. تلم آسمه یا بغلی یا دستی (معروف به ارغوت) که به شرح آن می‌پردازیم:

این نوع تلم از پوست گاو تهیه می‌شود. پوست گوساله را به صورت خیک در می‌آورند و طی مراحل آن را آماده می‌کنند. این تلم شبیه مشک بزرگی است که ته آن را می‌دوزند و از راه گردن (گلو)، ماست را در آن می‌ریزند و دهانه آن را با نخ و طناب محکم می‌بندند. پاهای عقب و دست‌های جلو مشک به دو چوب کوتاه (ارغوت) بسته می‌شوند که این دو چوب به طور عرضی در سر چوب سومی جای می‌گیرند. طول این چوب به اندازه طول مشک است و از بالای یک سه پایه (ملار) آویخته شده است. هنگامی که این وسایل سر جای خود قرار گرفت، مشک را به حالت افقی به آن متصل می‌کنند؛ به نحوی که ارتفاع آن به بلندی بازوی زنی باشد که باید در حالت ایستاده، مشک را بزند. این نوع تلم معمولاً از سوی دونفر و حداکثر چهار نفر زده می‌شود. دو نفر که می‌خواهند مشک بزنند، در دو طرف مشک قرار

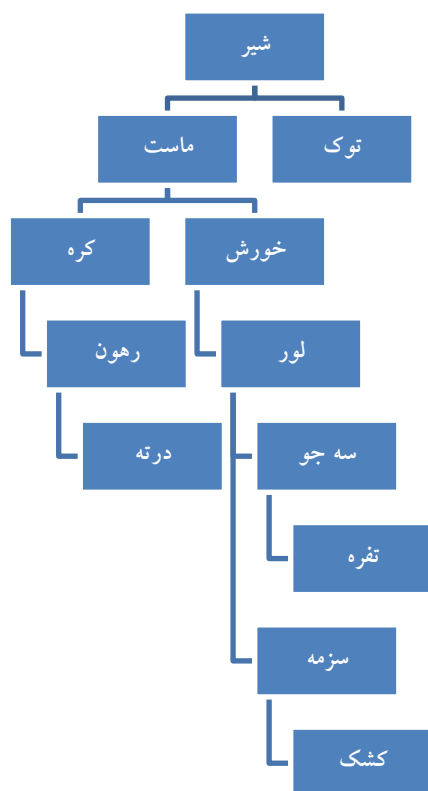
نمادهای دامداری سنتی استان سمنان ❖ ۱۲۳

می‌گیرند. هر کدام، یکی از دسته‌های مشک را در دست می‌گیرد و با هماهنگی، شروع به حرکت دادن آن می‌کنند. ترتیب کار چنین است که یکی از آنها مشک آویخته شده را به جانب خود می‌کشد و طرف مقابل آن را از خود دور می‌کند. در برگشت، این حرکات معکوس می‌شوند. در جریان کار به دلیل فاصله کم مشک‌زن‌ها از یکدیگر، همیشه دسته مشک در دستان آنها باقی می‌ماند.

پس از حدود دو ساعت تلم‌زنی، گلوله‌های کوچک و شناور کره را با دست از درون تلم‌ها بیرون می‌آورند و آن را به شدت می‌فشارند تا دوغ آنها خارج شود. یکی از نکات جالب و دیدنی این نوع تلم‌زنی، خواندن اشعاری در حین کار از سوی زنان است.

۲-۳. تهیه قره‌قوروت

قره‌قوروت که در اصطلاح عشایر الیکایی به آن «سج» (sez) و در گویش سنگسری‌ها به آن «تفره» می‌گویند، از آب چکیده شده از ماست یا دوغ تهیه می‌شود. مراحل تولید آن بدین صورت است که پس از تلم زدن ماست و گرفتن کره آن، باقی‌مانده (دوغ) را می‌جوشانند و در کیسه‌ها یا خورجین‌های پنبه‌ای یا مویین آویخته شده بر سه‌پایه‌ها، می‌ریزند. آب چکیده شده از جوال، «سجوی» (sejow) نام دارد. سپس سجوی را در دیگ‌های بزرگ به نام «برکر» (berker) می‌جوشانند. بعد از چند ساعت که آب آن کاملاً بخار و رنگ آن قهوه‌ای پررنگ شد و غلظت مایع مذکور به حد مناسب رسید، آن را از روی آتش برمی‌دارند و به داخل چادر می‌آورند. این مایع بعد از سه تا پنج روز با از دست دادن آب باقی‌مانده، کاملاً سفت می‌شود. این ماده سفت‌شده را به شکل کله‌قند درمی‌آورند که در اصطلاح به آن «کَلگ سج» (kalagsez) می‌گویند.



شکل ۲. مشتقات ماست

نکته جالب در تہیہ قرہ قوروت، خواندن ترانہ‌ای در ضمن ہم زدن سچ است. زنان عشایر می‌گویند با زمزمہ این ترانہ، «سچ» سفت می‌شود و قابلیت کگل کردن می‌یابد.

برخی ابیات این ترانہ به شرح زیر است:

daxos, daxos bâr hakonim

دخس، دخس بار هکنیم

بخواب بخواب می‌خواهیم بار کنیم

siâ sagečâl hakonim

سیا سگ چال هکنیم

سگ سیاه را چال کنیم

نمادهای دامداری سنتی استان سمنان ❖ ۱۲۵

âhu biya som bazena	آهو بیه سم بزنه
	آهو بیاد سم بزنده
rubâ biya dom bazena	روبا بیه دم بزنه
	روبا بیاد دم بزنده
qârqa biya bâl bazena	قارقه بیه بال بزنه
	کلاغ بیاد بال بزنده

۴. مَغَارِها و کحلها

مشکلات نگهداری مواد غذایی فسادپذیر در شرایط نامساعد و دسترسی نداشتن عشایر کوچنده به فناوری‌های جدید از جمله یخچال و سردخانه، بویژه در فصول بهار و تابستان که زمان تولید فرآورده‌های لبنی است و همچنین انتقال نیافتن آن به بازار مصرف، باعث شده است تا عشایر منطقه، فنون و شیوه‌هایی را ابداع کنند تا بتوانند محصولات لبنی را تا پایان دوره استقرار و حتی پس از آن، به طور سالم نگهداری نمایند. به منظور نگهداری فرآورده‌های لبنی، عشایر استان، بخشی از چادر مسکونی خود را با به کارگیری وسایل خواب در طول روز به جایگاه محصولات تولیدی اختصاص می‌دهند. علاوه بر این، از غارهای طبیعی (مغار) و غارهای مصنوعی (کحل) به عنوان سردخانه طبیعی استفاده می‌کنند.^۱

مغار اسم مکان به معنای محلّ غار است. در فرهنگ عمید، ذیل کلمه مغار آمده است: مغار، مغاره، شکاف وسیع و عمیق در دل کوه، کهف، مغاور و مغاورات به معنی گود، ژرف و عمیق است. مغارها در حقیقت سردخانه‌های

۱. برای مطالعه بیشتر نک: «مغارها، سردخانه‌های طبیعی در دل کوه‌های سمنان»، روزنامه ایران (۱۹ شهریور ۱۳۸۱) از نگارنده.

۱۲۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

طبیعی در دل کوه‌ها هستند که به منظور نگهداری لبنیات مورد استفاده دامداران و عشایر قرار می‌گیرند.

دامداران امامزاده عبدالله سمنان که بیلاق را در منطقه خوش آب و هوا و زیبای خنار می‌گذرانند، به مغار، «پنیر چال» می‌گویند؛ زیرا عمده تولیدات لبنی را که در این غارها نگهداری می‌کنند، پنیر است. در شمال غرب شهرستان سمنان به دلیل وجود شرایط خاص زمین‌شناسی و وجود تشکیلات گچی، تعدادی غارهای طبیعی (مغار) ایجاد شده است که عشایر با شناسایی آنها، به عنوان سردخانه‌های طبیعی از آن استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این مغارها عبارت‌اند از:

۱. مغار افتر در غرب روستای افتر با ظرفیت ۶۰۰ جلد محصولات لبنی
 ۲. مغارهای خنار در غرب روستای امامزاده عبدالله سمنان در دامنه شمالی کوه سردار با ظرفیت ۳۰۰ جلد.
 ۳. مغار اروانه در ۵ کیلومتری شرق اروانه در دامنه کوه کور تنگه کحل‌ها، غارهای مصنوعی هستند که در دل کوه‌ها حفر شده‌اند و با ایجاد فضای تکمیلی و مفروش ساختن آن با تخته‌سنگ‌هایی، فضای مناسبی را برای نگهداری فرآورده‌های لبنی ایجاد کرده‌اند.
- عشایر الیکایی هنگام کوچ پاییزه (از بیلاق به قشلاق) حاصل (محصولات لبنی) خود را به کحل می‌سپارند و در اواخر ماه از آنها تحویل می‌گیرند. این کحل‌ها در روستاهای آبسرد، سله بن، گچه (سیمین دشت)، رامه، گلدر، انزها و فیروزکوه قرار دارند.
- به منظور شناسایی پوست‌های حاوی لبنیات، مشخصات محتویات هر پوست و نشانی صاحب آن، روی قطعه چوبی از جنس بید نوشته می‌شود. این قطعه چوب به وسیله نخ‌ی به پوست متصل می‌گردد. سپس پوست (جلد) به کحل‌دار یا مغارب‌ان تحویل داده و رسید دریافت می‌شود. عشایر الیکایی این

نمادهای دامداری سنتی استان سمنان ❖ ۱۲۷

چوب را «دعا» (do?â) و عشایر مناطق افتر و خنار آن را «پلاک» (pelâk) می‌نامند.

جمع‌بندی

پایه فعالیت عمده اقتصادی و شیوه معیشت عشایر بر پرورش دام است. دام، اساس اقتصادی کوچ‌نشینان را تشکیل می‌دهد و زندگی ایلات و عشایر از جهات مختلف به دام وابسته است. دام‌ها علاوه بر آنکه منبع غذایی محسوب می‌شوند، قسمت اعظم وسایل و پوشاک مورد استفاده کوچ‌نشینان از فراورده‌های دامی به عمل می‌آید. براین اساس آیین‌ها و آداب و سنت‌های فراوانی در میان عشایر در مورد انواع حیوانات، نحوه نگهداری، به چرا بردن و شمارش آنها شکل گرفته است که بررسی آنها از نظر مردم‌شناسی و نیز زبان‌شناسی حایز اهمیت است.

همچنین، دامداری سنتی بر پایه مشارکت و یاریگری اعضای خانواده یا ایل بنا شده است. در شیوه مختاباد، به چرا بردن، بهره‌برداری از مرتع، اداره گله و شیردوشی به صورت مشارکتی انجام می‌شود. تولید و تهیه محصولات لبنی و عرضه آن به بازارهای محلی از فعالیت‌های دیگر دامداران سمنانی است که در این مقاله به برخی نمادهای آنها اشاره شده است.

❖ ۱۲۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

منابع

* مقاله از مطالب گردآوری شده و میدانی از سوی نویسنده نگارش شده است.

فصلنامه فرهنگ مردم ایران
شماره ۳۲ / بهار ۱۳۹۲